

برمودا باندا
ذهن ما قابل برنامه ریزی است و این، ما هستیم که تصمیم می گیریم حسود باشیم و افسوس بخوریم و یا شاد باشیم و لذت ببریم.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۰۹ شنبه ۶ قوس / آذر ۱۳۹۵ ۲۵ صفر المظفر ۱۳۹۸ ۲۶ نومبر ۲۰۱۶



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

www.azizibank.af 1515

د افغانستان دولتي ادارو ترمخ "بڼځو سره د زورزياتي ختمولو کمپاین" هوکړه لیک لاسلیک شو



صفحه ۶

واکنش افغانستان به تحرکات نظامی پاکستان در چمن: تنش ها تشدید و روابط مان خدشه دار می شود



صفحه ۶

انتخابات؛ همچنان یک پرسش بی پاسخ



صفحه ۲

شورای عالی صلح: طالبان در زمستان به یاد صلح می افتند



صفحه ۳

کاهش طویانه در پکتیا



صفحه ۳

وبسایت شورای امنیت ملی افغانستان هک شد



صفحه ۳

احمد عمران

انتخابات؛

همچنان یک پرسش بی پاسخ



از جانب دیگر، حالا کاملاً واضح شده که اکثر اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، وابسته‌گی‌های سیاسی و جناحی دارند. فهرست این وابسته‌گی‌ها منتشر شده و همه مردم می‌دانند که کی به کدام جناح سیاسی و دولتی تعلق دارد. شاید کسی را نتوان یافت که واقعاً ببرد درخواستی خود و اتکا به توانایی‌های علمی و مدیریتی‌اش به این سمت‌ها گزینش شده باشد. این اتفاقی است که افتاده و نمی‌شود هم که تغییری در آن به وجود آورد، ولی یک کار را می‌توان کرد و آن این‌که، از کار اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی نظارت دقیق و همه‌جانبه صورت داد. در این راستا البته نهادهای مرتبط با انتخابات و جامعه مدنی می‌توانند اساسی‌ترین نقش را بازی کنند. نباید گذاشت که این بار هم انتخابات در کشور دستخوش بحران و تقلب شود. و اما نکته آخرین در مورد اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی است. شایعاتی به گوش می‌رسند که ریاست جمهوری این افراد را می‌خواهد در بخش‌های دیگری به کار بگمارد. اگر چنین اتفاقی بیفتد که زیاد بعید هم نیست، واقعاً فاجعه‌یی کلان رخ خواهد داد؛ چون اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی با درس گرفتن از سرنوشت گذشته‌گان، می‌توانند به وظایف‌شان چنان‌که لازم است عمل کنند. اما اگر قرار باشد که دولت در مورد انتخابات گذشته خاموشی اختیار کند، بدون شک فرهنگ معافیت همچنان در کشور در عرصه انتخابات باقی خواهد ماند. در انتخابات گذشته ریاست جمهوری، افغانستان نزدیک بود که با بحران جنگ و نابسامانی‌های داخلی مواجه شود، دلیل آن هم بسیار روشن و واضح بود: مدیریت ناسالم انتخابات از سوی کمیسیون‌های انتخاباتی. این مدیریت ناسالم را کسانی از سیاره‌های دیگر نیامدند که انجام داده باشند، بل اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی صورت دادند. این افراد باید پاسخ‌گوی کارکردهای‌شان باشند. در غیر این صورت، حیثیت انتخابات در کشور به هیچ صورت اعاده نخواهد شد.

از دست رفته مردم به نهادهای انتخاباتی و در مجموع به روند انتخابات دگرباره اعاده شود. هیچ ضمانتی وجود ندارد که در صورت عدم توفیق اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی برای اعاده حیثیت تپاه‌شده کمیسیون‌های انتخاباتی، مردم بار دیگر به پای صندوق‌های رای بیایند. مردم این بار با چه دل‌خوشی‌یی از انتخابات استقبال خواهند کرد اگر بدانند که هیچ تغییری در شیوه مدیریت آن به وجود نیامده است؟ وقتی از درون صندوق‌های رای آرای تقلب‌شده بیرون شوند، آن‌گاه چگونه می‌توان از شفافیت و عدالت انتخاباتی سخن گفت؟ فراموش نکنیم که مردم افغانستان هر بار با قبول قربانی به پای صندوق‌های رای رفته اند. این قربانی، کوچک و کم‌بها هم نبوده است، در مواردی حتا جان‌های خود را بر سر انتخابات گذاشته اند. حالا اگر قرار باشد که یک بار دیگر دولت انتخاباتی را برگزار کند که هیچ تفاوتی را با انتخابات‌های پرتقلب گذشته به نمایش نگذارد، بدون شک تصمیم خواهند گرفت که به انتخابات "نه!" بگویند. ژوزه ساراماگو نویسنده رمان معروف "گوری"، رمان بعدی‌اش را به نام "بینایی" نوشته است. او می‌گوید رمان "بینایی" داستان مردمی است که به پای صندوق‌های رای می‌روند ولی از آن‌جایی که به نتایج انتخابات باور ندارند، رای سفید به صندوق‌ها می‌ریزند. او می‌گوید این بهترین روش برای مقابله با نظام‌هایی است که از دموکراسی کاریکاتوری ساخته‌اند برای تأمین منافع فردی خود. اما در افغانستان حتا همین روش ساراماگو نیز جواب نمی‌دهد، چون اربابان قدرت در این کشور چنان از دایره اخلاق سیاسی بیرون شده اند که حتا اگر مردم رای سفید به صندوق‌ها بریزند، آن‌ها رای‌های سفید را به نفع خود مصادره خواهند کرد. اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی واقعاً اگر می‌خواهند که تاریخ این کشور را از تقلب و جعل سازمان‌یافته نجات بخشند، باید صرف به وظایف خود در دایره قانون عمل کنند. هرگونه مصلحت‌گرایی و مصلحت‌اندیشی در انتخابات، افغانستان را همچنان در برزخ بلاتکلیفی و بحران نگاه خواهد داشت.

هنوز دقایقی از مراسم سوگند اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی در ارگ ریاست جمهوری نگذشته بود که موجی از نگرانی‌ها و دغدغه‌ها از هر سو به گوش رسید. شماری از نهادهای آگاه به مسایل انتخاباتی، حداقل دو مورد بسیار مهم را در معرفی اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی برجسته کردند. نخست این‌که اکثر اعضای جدید بر اساس روابط سیاسی برگزیده شده‌اند، و دوم این‌که تجربه لازم در عرصه انتخابات ندارند. این نهادها می‌گویند بی‌تجربه‌گی و وابسته‌گی‌های سیاسی و تمیمی اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، سبب می‌شوند که بار دیگر انتخابات با مدیریت ناسالم مواجه شود. هرچند در روز سوگند اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، ریس جمهوری با تأکید به این مسأله پرداخت که پس از این، کمیسیون‌های انتخاباتی کاملاً به دور از نفوذ و تأثیر نهادها و دولت‌مردان عمل خواهند کرد. ریس جمهوری در بخشی از سخنرانی خود، با اشاره به روند گزینش اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، گفت که آن‌ها در یک پروسه شفاف به این سمت‌ها انتخات شده اند و اگرچه انتخاب از میان فهرست ارسالی از سوی کمیته گزینش فقط در صلاحیت ریس جمهوری بوده، ولی برای این‌که همه طرف‌ها مطمئن شوند که در گزینش اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی هیچ غرضی وجود ندارد، پیش از انتخاب آن‌ها با شخصیت‌های سیاسی کشور مشوره‌های لازم صورت گرفته است. با این حال، کیست که باور کند که همین نهاد ریاست جمهوری هیچ تلاشی برای نفوذ در کمیسیون‌های انتخاباتی نخواهد کرد؟ در گذشته همواره تلاش برای نفوذ در کمیسیون‌های انتخاباتی وجود داشته و ما بارها خلاف آن‌چه را که دولت‌مردان وعده داده اند، در عمل شاهد بوده‌ایم. پس اکنون نیز این نگرانی به قوت خود باقی است که کمیسیون‌های انتخاباتی نتوانند به وظایف خود بر اساس قانون عمل کنند. اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی ضمن این‌که مسوولیت بسیار کلان مدیریت انتخابات‌های آینده را دارند، باید چنان چهره‌یی از این کمیسیون‌ها به نمایش بگذارند که اعتماد

سخن ماندگار

سؤال افراطیت و مواجهه با آن

اعتراض یک نماینده مجلس، سبب ایجاد بحث‌هایی در زمینه افراطیت و روشن‌گری شده است و نیز برخی‌ها را واداشته که این نماینده را به عناوین مختلف متهم کنند. بحث از آن‌جا آغاز شد که حفیظ منصور از اعضای مجلس نماینده‌گان روی موضوع افراطی‌گری و چالش‌های مبارزه با آن بحث کرد و گفت که دولت یک راهبرد و برنامه منظم اندیشه‌یی برای مبارزه با تروریسم ندارد. او تأکید کرد؛ تا زمانی که ما با فکر افراطیت مبارزه نکنیم، نمی‌توانیم بر تروریسم فایق آییم. آقای منصور مثال داد که ارتش و پولیس فقط با حرکات آشکار تروریستی می‌توانند مقابله کنند، اما اندیشه افراطیت به‌نرمی و راحتی در رگ‌های جامعه جاری است؛ چنان‌که مضمون ثقافت اسلامی که در بسیاری از دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود، بی‌هیچ ممانعتی مفاهیم افراط‌گرایانه را به ذهن و روان دانشجویان تزریق می‌کند و مادامی که این وضع را مهار نکنیم، تروریسم و خشونت به راه خود ادامه می‌دهد.

این بحث اگرچه با برداشت‌های متفاوتی همراه شد و اعتراض‌هایی را در مجلس برانگیخت، اما در فضای بیرون به‌خصوص در فضای مجازی و رسانه‌های تصویری، به یک بحث داغ و جدی تبدیل شد. برخی از عالمان معروف کابل و استادان شرعیات، در برابر سخنان اعتراضی نماینده مجلس موضع گرفتند و برخی استادان و عالمان نیز در موافقت با اظهارات آقای منصور سخن راندند. اما آن‌چه بسیار جای تعجب دارد این است که باز شدن بحث‌هایی از این دست آن‌هم در فضای مجازی پهلوان‌نماهای زیادی را به میدان کشیده که هیچ کدام‌شان هم استعداد و صلاحیت داوری در این عرصه را ندارند و این اوج فاجعه است!

شکی نیست که نصاب آموزشی ما در کل و مضمون ثقافت اسلامی ما به‌طور خاص مشکل دارد. همین مشکل که در اکثر دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی ما محسوس است، ذهنیت طالبانی و داعشی را به محصلان و دانش‌آموزان تزریق می‌کند. ما باید از خود پرسیم که مفکوره طالبانی و داعشی از کجا تقویت می‌شود و در سایه پاسخ به این سوال، به جنگ تروریسم و اندیشه افراطی‌گری برویم. مسلماً کتاب‌ها و آموزه‌هایی وجود دارند که تندروی و ترور در آن‌ها سنگر گرفته‌اند. خوب است که در مواجهه با این‌گونه مسایل، به‌جای این همه نزاع و دشنام‌گویی بی‌حاصل، کمیسیونی مرکب از علمای اعلم کشور و اندیشمندان خیره برای بررسی و رفع این نگرانی شکل بگیرد.

رویکرد عقابانه این است که مشکلات و حل پرسش‌ها به اهلش یعنی نخبه‌گان و آگاهان امور سپرده شود، به‌ویژه در افغانستان که ما با اکثریت بی‌سواد و احساساتی مواجهیم که می‌توانند هر جرقه‌یی را به انفجاری بزرگ بدل کنند. همچنین در چنین جامعه‌یی (جامعه بی‌سواد یا کم‌سواد) همواره مسایل و بحث‌های علمی و تکنیکی به‌راحتی به اغراض سیاسی آلوده می‌شوند و برخی‌ها آتش‌بیار معرکه می‌شوند تا اهداف سیاسی خویش را تأمین کنند.

سخنان آقای منصور و جدل راه‌افتاده پیرامون آن، فرصت مغتنمی ست برای گذار دادن افغانستان از این اوضاع. باید نهادهای دولتی و اجتماعی مانند وزارت‌های حج و اوقاف، عدلیه و اطلاعات و فرهنگ در کنار نهادهای مدنی‌یی مثل شورای علمای افغانستان و رسانه‌های ارزش‌مدار دور هم جمع شوند و هرکدام در این گذار از تشتت و آشوب به انسجام و اعتدال سهم و نقشی درخور بگیرند.

دولت باید پیش‌قدم شود و مکانی شایسته برای تعقیب بحث‌ها و مسایل علمی بگشاید و زمینه استفاده‌جویی دشمنان مردم و نظام و کشور را برچیند اسلام اصیل و مدارامحور - نه اسلام جعلی و ابزار - را به معرفی بگیرد.

بخش نخست

فقر و انحرافات اجتماعی

علی‌رضا تاجریان

مفهوم فقر

در بسیاری از فرهنگ‌ها فقر را به معنای «عدم تکافوی ضروریات زنده‌گی» تعریف کرده‌اند. چنین تعریفی به طور کلی، دقیق و جامع نیست؛ زیرا ضروریات زنده‌گی هر جامعه در طول زمان و مکان ابعاد و اشکال گوناگونی دارد و از جامعه‌ی به جامعه‌ی دیگر دگرگون می‌شود. از این‌رو، تعیین یک تعریف علمی برای «فقر» که برای هر زمان و مکان صادق باشد، ممکن نیست. ولی آنچه مسلم است، فقر زائیده‌ی دو عامل تعیین‌کننده چون کمبود و مالکیت است. بدین معنی که در بسیاری از جوامع همه‌چیز به قدر وفور وجود ندارد و تقاضا بیش از عرضه است، در نتیجه هرچه که برای زنده‌گی ضروری و کمیاب است، ارزش اقتصادی پیدا می‌کند و به محض این‌که ارزشمند می‌شود، در بسیاری از کشورها عده‌ی قلیلی آن را تصاحب می‌کنند و عده‌ی کثیری از آن محروم می‌گردند. به دنبال این امر، کسانی که امکان دستیابی به چیزی نادر را ندارند، نسبت بدان احساس «فقر» می‌کنند.

تعیین خط فقر

هرچند از دیدگاه جامعه‌شناسی تعریف دقیق فقر و تعیین حدود آن خالی از اشکال نیست، ولی پژوهشگران ضوابط و معیارهای ویژه‌ی چون درآمد سرانه، میزان مصرف روزانه کالری، مساحت سرانه مسکن، مصرف سرانه مواد غذایی و پوشاک، میزان برخورداری از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و حتا سرگرمی و تفریح را تعیین کرده و بر اساس آن، خط فقر را مشخص می‌کنند.

انواع فقر

فقر را می‌توان از دیدگاه حد گسترش آن، به فقر جمعی، گروهی و فردی تقسیم‌بندی کرد؛ مثلاً در مناطقی که تعداد مصرف‌کننده‌گان «ضروریات زنده‌گی» بیش از عرضه آن می‌باشد، فقر جمعی پدید می‌آید.

نوع دیگری از فقر، «فقر دوره‌ی» نام دارد؛ این گونه فقر معمولاً در نتیجه کاهش موقتی امکانات زنده‌گی در پیرو خشک‌سالی در زمینه اقتصاد، کشاورزی، قطع تجارت در اقتصاد بازرگانی و یا بیش تولیدی در اقتصاد صنعتی پدیدار می‌شود. در برابر فقر دوره‌ی که جنبه جمعی داشته و گذرا می‌باشد، «فقر فردی» قرار دارد که ناشی از موقعیت جامعه‌ی فرد می‌باشد. این نوع فقر از اراده و اختیار افراد بیرون است. در اکثر جوامع پیرمردان و پیرزنانی که قدرت کار ندارند، بیهوشانی که نان‌آور خویش را از دست داده‌اند، یتیمانی که بی سرپرست شده‌اند و... دچار فقر فردی هستند.

نوع دیگری از فقر وجود دارد که مستقیماً تحت تاثیر گرایش‌های دینی و بنا به خواست فرد پدید می‌آید که باید آن را «فقر آرمانی» نامید؛ مثلاً در ادیانی چون بودایی و مسیحیت جایگاه ارجمندی به فقر اختصاص داده می‌شده و آن را نوعی تقوا می‌پنداشتند و برای پیروان خویش فقر را از صفات «جمیله» می‌شمردند.

«فقر فرهنگی» نوع دیگر فقر است و در سطح خرد، فقر فرهنگی عبارت از قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که فرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم دچار آن است. مثل بی‌سوادی والدین یا بی‌سرپرستی و...



فلسفه

زبان نزد جان لاک

علی نیک‌بخت

زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر آن‌چنان جایگاه رفیعی در شناخت آدمی بازی می‌کند که گاهی بعضی از فلاسفه، شناخت ما از اطراف را بدون زبان غیر ممکن می‌دانند. آن‌ها معتقدند سه ضلعی شناخت انسان مبتنی بر من (فاعل شناسا)، طبیعت اطراف (شیء) و انسان‌های جامعه (تو) است. انسان‌ها شناخت جهان طبیعت یا همان شیء را تنها به کمک انسان‌های دیگر و آن‌هم از طریق زبان ارتباطی میسر می‌سازند. البته نباید زبان را تنها به کلام محصور کرد. زبان عبارت است از هرگونه نشانه یا علامتی برای ایجاد ارتباط بین انسان‌ها.

(البته ممکن است بتوان برای موجودات دیگر نیز زبان قایل شد، ولی از آنجایی که این مسأله از فهم و عقلانیت ما خارج است، در این جا منظور از زبان به انسان‌ها محدود می‌شود.)

شاید بتوان جان لاک را جزو اولین کسانی دانست که در باب فلسفه زبان به صورت تحلیلی سخن گفته است. او در جستار درباره فهم آدمی (بشر) که در سال ۱۶۹۰ منتشر شد، بحث زبان و ساخت‌های مختلف آن را نشان داد. در این کتاب، او هشت اصل اساسی را بیان می‌کند که بر مبنای آن بتوان زبان را متعین کرد. این هشت اصل عبارت‌اند از:

- ۱- ماهیت زبان با کارکرد آن تعریف می‌شود.
- ۲- کارکرد زبان مکالمه است.
- ۳- آنچه زبان وسیله مکالمه آن است، فکر است.
- ۴- لغات وسیله مکالمه یا اجزای چیزی هستند که زبان وسیله مکالمه آن است.
- ۵- اجزای فکر ایده‌ها (یا به زبان فلسفه اسلامی، تصورات) هستند.
- ۶- ایده‌های هر فرد خاص نمی‌تواند

علی‌رغم پیشرفت عظیمی که در فکر لاک در فلسفه زبان رخ می‌دهد، انتقادات بسیار زیادی نیز بر نظریه او وارد شده است. یکی از مهم‌ترین این انتقادات آن است که اصول هشت‌گانه لاک اصولاً ما را از مکالمه طبیعی که در زنده‌گی روزمره جریان دارد، منع می‌کند. اشکال از آن‌جا ناشی می‌شود که ما از رابطه بین ایده (تصور) و واژه دیگران بی‌اطلاعم. این بدان معناست که ما نمی‌دانیم منظور دوست‌مان از کاربرد واژه میز واقعاً مربوط به تصور میز است یا مربوط به تصور شیء دیگری مانند چوکی که او آن را بیشتر بر واژه میز منطبق می‌دانسته است.

توسط دیگران ادراک شود. ۷- رابطه بین لغات و ایده‌های مرتبط به آن کاملاً دل‌به‌خواه است. (از شخصی به شخص دیگر تفاوت دارد.)

۸- لغات ذاتاً معنادار نیستند. یعنی این هر فرد است که مشخص می‌کند معنای آن واژه در ارتباط با ایده موجود در ذهن او چیست. (در اصطلاح فلسفی هنگامی می‌گوییم یک چیز ذاتاً چیز دیگر است که نتوان به هیچ نحو و در هیچ دنیای مجازی‌یی، شیء اول را غیر از شیء دوم تصور کنیم.)

بر اساس بنیادی که جان لاک برای فلسفه زبان بنا می‌کند، انسان‌ها از یک شیء خاص، احساسات و انطباعاتی به دست می‌آورند. هر یک در ذهن خود ایده‌ی یا تصویری نسبت به آن شیء پدید می‌آورد. سپس برای آن ایده، واژه‌ی مناسب را در نظر می‌گیرد و در نهایت در مکالمه با اطرافیان این واژه‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. علی‌رغم پیشرفت عظیمی که در فکر لاک در فلسفه زبان رخ می‌دهد، انتقادات بسیار زیادی نیز بر نظریه او وارد شده است. یکی از مهم‌ترین این انتقادات آن است که اصول هشت‌گانه لاک اصولاً ما را از مکالمه طبیعی که در زنده‌گی روزمره جریان دارد، منع می‌کند.

اشکال از آن‌جا ناشی می‌شود که ما از رابطه بین ایده (تصور) و واژه دیگران

منبع: An introduction to the Philosophy of Language Michael Morris Cambridge University Press

پریدهیے از یک متن ناتمام

بازخوانی روایت ثریا بها در مورد عشق بے فرجام فروغ

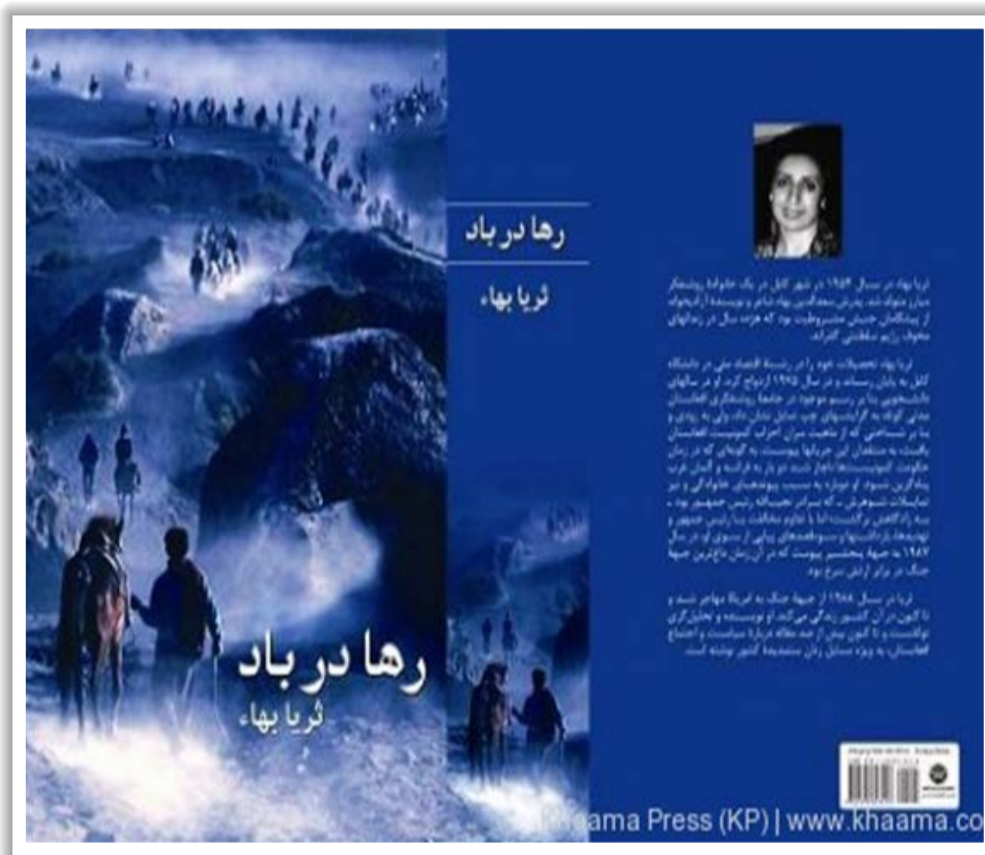
ضیا، الحق مهرنوش

ثریا بها، نویسندهٔ رمان تاریخی، سیاسی و رمانتیک «رها در باد»، پس از پخش و نشر این کتاب، شهرهٔ شهر شد. بی‌گمان، روایت‌های بازتاب یافته در این کتاب، به دلیل گرایش‌های ایدئولوژیک و زبان عاطفی نویسنده، اگر خیلی نزدیک به واقعیت نباشند، دور از واقعیت هم نیستند. نویسندهٔ جسور، مبارز و نترس - با در نظر داشت روایت‌هایش در متن کتاب - پس از سال‌ها دوری از میهن و آسامیدن آب پناهنده‌گی و زنده‌گی در آن سوی آب‌ها، روایت‌های زنده‌گی سیاسی‌اش را بازنویسی نمود و زیر نام «رها در باد» چاپ کرد؛ کتابی که در یکی - دو سال گذشته، از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها در جامعهٔ فرهنگی - ادبی افغانستان بوده است.

روایت‌های بازتاب یافته در رمان «رها در باد»، بازگوکنندهٔ فضای مشحون از هرج و مرج خشک مذهبی، ایدئولوژی‌گرایی بدون فهم، سنت‌پسندی، قهقرانندیسی و کش‌و‌گیرهای سیاسی روزگار زیستی نویسنده است که در قالب متن ادبی ارایه شده است. در میان روایت‌های ایدئولوژیک، سیاسی و مذهبی، روایت‌هایی در زمینهٔ گرفتاری جوانی به نام «فروغ» به نویسنده نیز درخشش پُررنگ دارد که این نوشته بازخوانی و تحلیلی از همان روایت است. قراردادهای نویسنده در متن کتاب، هوای عاشقی به بام دل جوانی به نام فروغ می‌وزد و نویسنده، از این نسیم خوش‌گوار و فرحت‌افزا، بی‌بهره بوده است. از همین چشم‌انداز، خامه به بازخوانی و تحلیل این روایت پرداخته است. این نوشته، به دلیل حجم انبوه روایت، تنها به چیدن بخش‌های مورد نظر و نزدیک به ادعا بسنده کرده است.

از مقدمات و بخش‌های اضافی روایت که بگذریم، بخش‌های گوارا و خوش‌نسیم روایت چنین آغاز می‌شود: «نگاه ژرفی به سوش افگندم. بی‌گمان جالب‌ترین و خوش‌تیپ‌ترین مردی بود که من در زنده‌گی‌ام دیده بودم» [76]. این ستایش، برخاسته از ژرفنای ناخودآگاه ذهنی نویسنده است. نویسنده، بدون کدام تردید و دودله‌گی، با ستایشی که از وی ارایه می‌دارد، به گونه‌ی می‌خواهد ژرفنای ناگران‌مند متأثر شدن خویش را آفتابی کند. «نگاه ژرف»، برخاسته از ژرفنای یک نگاه ژرف دیگر است؛ نگاه ژرف نویسنده به فروغ. چنان‌که ادامه می‌دهد: «با یک متانت استثنایی سخن می‌راند. بیشتر به یک مجسمهٔ رومی شباهت داشت» [76]. «متانت استثنایی» و «شباهت داشتن به مجسمهٔ رومی» [76] یا هر مجسمهٔ دیگر، برتابندهٔ معصومیت نگاه و تعریف‌ناپذیر است. «متانت استثنایی» و «مجسمهٔ رومی»، شاید از ناخودآگاه ذهنی نویسنده برخاسته باشد. در هرحال، آنچه را که نویسنده می‌خواسته تصویر و بیان کند، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، تصویر اسطوره‌یی و مقدس شخصی به نام فروغ است که خیلی روشن، بازتاب یافته است. تا احساس ژرف و بافت‌خورده‌ی عشق به مخاطب نداشته باشی، ستایش برخاسته از ژرفنای وجود درباره‌اش ارایه نمی‌داری. «متانت استثنایی» و «شباهت داشتن به مجسمهٔ رومی»، از ژرفنای ناخودآگاهی سخن می‌گوید که بدون زمینه‌سازی قبلی، گرفتار عشق تعریف‌ناپذیرش شده است. تصویرهای ارایه شده، در پهلوی این‌که معصومیت و متعالی‌نگاهی مخاطب را بیان می‌دارد، از معصومیت و مهربانی خود نویسنده نیز سخن می‌گوید. روایتی را که روایت‌گر «رها در باد» در باب فروغ به‌دست می‌دهد، بدون این‌که خودش متوجه باشد و به راز و رمز متنی که به یادگار گذاشته پی ببرد، ناخودآگاه از نوع گرفتاری‌یی سخن می‌گوید که روایت‌گر، نظر به حُجت‌های گوناگون اجتماعی - سیاسی و سخت‌گیری‌های قشری جامعهٔ مذهبی و سنت‌گرا چون افغانستان و به سخن خودش، «تابوهای سرکوب‌گر شرم و حیای دخترانه، توان ابراز احساسات درونی» [84] را ندارد. بنابراین، آگاهانه، در باب عشقی که گرفتارش نیز است، طفره می‌رود و از عشق یک‌طرفه و تنها دلباخته‌گی فروغ سخن می‌گوید. حتا جمله‌یی را که فروغ از داخل کتاب برایش می‌خواند، در حافظه‌اش حک می‌شود که شاید پسان، هنگام بودن در صنف، آن را درج یادداشت‌هایش کرده باشد [77].

ادامه روایت: «... متانت و غرورش مرا بیشتر به‌سوش می‌کشاند. همیشه به من می‌گفت: «تو تنها دختری هستی که احترام مرا برمی‌انگیزی. تو می‌توانی نویسندهٔ بزرگی شوی، اگر دور پرچمی‌ها و سیاست خط بکشی. سیاست، سیاه را سپید نشان می‌دهد که این با هنر و ادبیات جور در نمی‌آید» [78]. اگر این روایت را بدون اندک تأمل و اندیشه‌یی بپذیریم، می‌نمایاند که نه تنها ثریا از فروغ متأثر بوده است، بل رفتار و گونهٔ برخورد ثریا نیز بر فروغ اثرگذار بوده است. از چشم‌انداز متن‌شناسی و رویکرد به‌کاربست واژگان و بازتکرار آن‌ها، بازتکرار واژهٔ «متانت» در کنار «غرور»، گذشته از این‌که به زیبایی متن افزوده است، آشکار می‌کند که زیباترین واژه‌یی که در پیوند به ستایش فروغ، در حافظهٔ نویسنده حضور انکارناپذیر و همیشه‌گی داشته و آن را می‌پسندیده، همان «متانت» بوده است. انگار «متانت»، کامل‌ترین و بسط‌یافته‌ترین آیینة جمال‌نمای ستایش فروغ بوده است. حتا برای بار سوم، گواه به‌کار بستن واژهٔ «متانت» در متن هستیم. این ستایش‌ها، خواسته



و ناخواسته، از چشمهٔ دل نویسنده جاری شده است و می‌نمایاند که فروغ، فاتح قلب نویسنده بوده است. تکرار بار سوم «متانت» و... در روایت زیرین: «شامگاهان حلقه بر در کوفته شد. وی آمد و با هم به‌درس‌خواندن آغاز کردیم. آن شب، متانت و فرهیخته‌گی وی چنان تأثیر شگرفی بر مادر و برادرم گذاشت که بدون دغدغه مرا اجازه دادند که با وی درس بخوانم» [82]. در این پاره روایت، معمایی پنهان دلش را آشکار می‌کند؛ اظهار متأثر شدن برادر و مادر نویسنده از فروغ، تأویل دیگری ندارد جز برتاباندن دل‌داده‌گی نویسنده به فروغ. درگیر و دار گرفتارهای درس‌خوانی و نشستن‌های باهمی، آهسته‌آهسته نزدیک می‌شویم و به لحظه‌های اعتراف پنهان در پشت دیوار چندلایهٔ واژگانی و قربانی شدن عشقی که قربانی غرور، خودخواهی، تکبر و سخن گفتن‌های ابهامی نویسنده می‌شود، می‌رسیم. به این بخش روایت بیندیشید که گونهٔ گفتمان عاشقانه یا پرسش و پاسخ گرمی دو همدل است:

«خواستم آنچه را خوانده‌ایم، دوباره برابم بازگو کند» (نویسندهٔ قصه از فروغ می‌خواهد که درس‌های خوانده شده را تکرار کند). با «لبخند ملیحی» گفت: «هه‌هه چه گفتی؟ من نفهمیدم، چه خواندی؟» گفتم: «کجا بودی؟» گفت: «همین‌جا». چند توت‌ه چوب بلوط را گرفت و در بخاری گذاشت. آتش فروزان برافروخت. درپچهٔ بخاری را بازگذاشت تا آخگرهای سرکش آتش را نظاره کند. آنگاه چوری نقره‌یی - کره یا

اندوه مرموزی قلبم را می‌فشرد [85]. از احساس پنهانی که از بابت «شرم و حیای دخترانه» نمی‌تواند از آن سخن بگوید، چیزی دیگری نیست جز احساس وابسته‌گی و نزدیکی با فروغ. اما به سخن خود نویسنده، چون درکی درست از وضعیت مذهب‌گرا و درگیر سنت‌هایی چون پنهان داشتن سخن دل دارد، احساسش را نسبت به فروغ و عشق وی، در دل دفن می‌کند و دست و پای بسته، راهی آغوشی می‌شود که نه تنها لذتی از آن نمی‌برد که مایهٔ دردسر و رنجش خاطرش می‌گردد و ریزش برف اندوه بر چهرهٔ افسرده‌اش را افزون‌تر می‌کند.

بار دیگر، آن‌جا که همه وارد صنف درسی می‌شوند و آزمون آغاز شده است؛ هنگام رونوشت پرسش‌ها از تختهٔ سیاه، به یاد فروغ می‌افتد: «اما چشم‌انم فروغ را می‌بایند» به نوشتن پرسش‌ها آغازیدم. ... که در صنف باز شد، فروغ چون همیشه، آرام و بی‌تفاوت، وارد صنف شد و... [86]

بنا بر آنچه گفته آمد، نه تنها دل فروغ آهنگ گرفتاری و عاشق‌شده‌گی می‌نواخته که دل ثریا نیز، با آن‌که می‌خواهد آن را خیلی زرنگ و نیرومند جلوه دهد، گرفتار عشق شده است و چهرهٔ آبی‌رنگ فروغ، در تار و پود وجود ثریا نیز جا گرفته است؛ ولی به سخن خودش، از یک‌سو در هفت‌خوان و «برزخ سیاه غرور انقلابی» گیر مانده است و از سوی دیگر، «شرم و حیای دخترانه» که در همبودهای عقب‌مانده و درگیر سنت‌های قهقرایی، مُهر ننگین بر پیشانی وی کوبیده است، اجازهٔ اظهار علاقه را از وی سلب کرده است؛ اما یاد و خاطر وی، در رگ رگ وجودش زنده است و جوانه می‌زند. چنان‌که خود روایت می‌کند: «هر زمستان که برف می‌بارید و فردایش آسمان صاف بود و باد سردی می‌وزید و یا در هر کجایی که تیفه‌های یخ را می‌دیدم، هرگاهی که شعله‌های آتش شراره می‌کشید، نابه‌هنگام به یاد فروغ می‌افتم. به یاد خاطرات پاک و مقدس دوران جوانی که انگار از مخمل برآمده بودند و از شفافیت چشمه‌های پاک [78].»

افتادن به یاد یادواره‌هایی که از فروغ در ذهن و ضمیر نویسنده جا گرفته است، نمودار گرفتاری نویسنده است. اما به دلیل غرور و خودخواهی‌یی که در جودش جوش می‌زند، نه آماده است که عشق طرف را بپذیرد و نه آماده است از عشقی که خودش را می‌سوزاند، سخن بگوید. در این حالت، این ایدئولوژی‌گرایی بیش از حد است که مانع اظهارکردنش می‌شود. جاگیر شدن آن قسمت از زنده‌گی که باید روایتش کنیم، بخش‌هایی از زنده‌گی است که در آن خاطره‌هایی از عاشق شدن و معشوق بودن داریم. هیچ آدم نمی‌تواند روایت‌گر همهٔ زنده‌گی‌اش باشد - به استثنای انسان‌های فرهمندی که از آوان خودشناسی، به یادداشت‌برداری زنده‌گی خویش می‌پردازند. از این رهگذر، خواسته و ناخواسته، نویسنده به‌حدی که خودش قادر به تعریف آن نیست، عاشق فروغ بوده است. یاد کردن چنین روایت‌هایی - روایت‌های باهمی و بودن در کنار همدیگر که عاری از هم‌آغوشی و گپ‌وگفت‌های آغوش‌طلبانه بوده است، اما هر دو، بدون این‌که بر زبان بیاورند، گرفتار همدیگر بوده‌اند - نمودار گرفتاری‌هایی است که بیان‌کردنش موقع‌شناسی می‌طلبد. از جانبی هم، قرار روایت‌هایی که نویسنده «رها در باد» به دست داده است، جدیت و تسلیم‌ناپذیری و حتا گاهی «خودخواهی‌ها» و «خودتربیتی‌های» خودش باعث از دست دادن فروغی شده است که هوای عشقش در دل نویسنده می‌وزیده است. دانش روان‌شناسی که تأثیر خیلی شگرف بر اندیشه‌ها و باورهای امروزی گذاشته است، می‌نمایاند که گاهی بانوان، به خودی خود علل شکست و ناکامی عشق‌شان می‌شوند. خودخواهی و خودپرستی بانوانی که گل‌های تازهٔ جوانی در بلغ آرزوهای‌شان رو به شکستن کرده، باعث می‌شود به‌ساده‌گی دل عاشقان‌شان رنجه گردد. بر پایهٔ داده‌های روان‌شناسی، بیشتر دوشیزه‌ها دوست دارند که پسرپچه‌یی عاشق‌شان بشود. پس از آن‌که آهنگ دل باختن پسرپچه‌یی در گوش دل‌شان طنین‌انداز شد، دوست دارند پسر گرفتار و دل‌داده در کوچه‌ها و پس‌کوچه‌ها به دنبال‌شان بگردد و پیش‌روی‌شان ایستاد شده به آوازی که بیان‌گر حالت درونی و گرفتاری‌اش باشد، از گرفتاری و دل‌باخته‌گی خویش سخن بگوید و معشوق را از حال و احوال خویش آگاه کند. اما از آن‌جایی که برای بیان چنین حالتی، آن‌هم در جامعهٔ بسته و سنت‌پسندی چون افغانستان، آن‌هم در دشوارترین شرایط (شرایطی که نویسنده روایت می‌کند؛ دهه‌های خون و آتش و باروت و نفرت و زدوبندهای راستی - چپی)، جرأت و شهامت بسیار لازم است؛ عشق قربانی غرور کاذب دوطرفه می‌شود؛ غرور بانوانی که باید پسر نسبت به آن‌ها اظهار عشق کند و غرور پسرانی که به گونه‌یی گرفتار روح حاکم مردسالاری‌اند.



هشدار افغانستان به تحرکات نظامی پاکستان در چمن:

تنش‌ها تشدید و روابطمان خدشه‌دار می‌شود



وزارت امور خارجه افغانستان به برافراشته شدن بیرق پاکستان و راه‌اندازی مراسم ویژه نظامی در نقطه صفری خط دیورند در منطقه چمن واکنش نشان داده است. این وزارت در اعلامیه‌یی که روز جمعه منتشر کرده، نگاشته است: "افغانستان مراتب اعتراض شدید خویش را در پیوند به تحرکات اخیر نظامیان پاکستانی که با برافراشته شدن بیرق آن کشور و راه‌اندازی مراسم ویژه نظامی در نقطه صفری خط فرضی دیورند در منطقه چمن صورت گرفته است، ابراز داشته و آن را اقدام نامناسب، تحریک‌کننده و برخلاف تعهدات قبلی طرفین می‌داند." در این اعلامیه افزوده شده است: "افغانستان به جانب پاکستان خاطر نشان می‌سازد که این گونه اقدامات، در شرایطی که روابط دوجانبه در مرحله حساسی قرار دارد، می‌تواند سبب تشدید تنش‌ها و خدشه‌دار شدن بیشتر روابط دوجانبه گردد. مردم هر دو سوی خط فرضی دیورند، از گذشته‌های دور، روابط نزدیک قرابتی و برادرانه داشته‌اند." وزارت امور خارجه کشور گفته است که به جای این‌گونه تحریکات، پاکستان باید توجه‌اش را در امر مبارزه علیه تروریسم و افراطیت متمرکز

د افغانستان دولتي ادارو ترمخ

"بنځو سره د زورزياتي ختمولو

کمپاین " هوکړه لیک لاسلیک شو



پنجشنبه (قوس/لیدی ۴مه) د افغانستان د دولتي ادارو ترمخ د "بنځو پرواندي د تاوتريخوالي لمنځه وړلو کمپاین" هوکړه لیک لاسلیک شو. د افغانستان لوی څارنوال محمد فرید حمیدي په دغه غونډه کې چې په ولسمشرۍ ماڼۍ کې جوړه شوې وه وویل؛ ددې هوکړه لیک هدف د بنځو پرواندي د تاوتريخوالي کمول او ددې ستونزې لمنځه وړلو لپاره د اړوندو ادارو ترمخ د همکارۍ لارو چارو لټه ده. دغه هوکړه لیک د لویې څارنوالۍ، روغتیا، پوهنې او لوړو زده کړو وزارتونو او محلي ارگانونو ترمخ لاسلیک شو.

بناغلي حمیدي وویل؛ افغانستان کې ثبت شوي شمېرې ښيي چې بنځو سره تاوتريخوالي یوه ملي ستونزه ده.

هغه زیاته کړه؛ ددې ستونزې د لمنځه وړلو لپاره د دولت لخوا جدي هوډ او د نړیوالې ټولنې لخوا لازمي همکارۍ ته اړتیا ده.

خو د افغانستان لوی څارنوال ټینگار وکړ چې بنځو سره تاوتريخوالي کونکو سره یوازې جزیي او قضایي اجراء نشي کولی د تاوتريخوالي په کمولو کې اغېزناک ثابت شي او باید قضایي، فرهنګي، اقتصادي او ټولنیز تدابیر په پام کې ونیول شي.

د هغه په وینا، کومې هوکړې چې نن د دولتي ادارو ترمخ لاسلیک شوې، دغه هدف ته رسېدو ته لاره هواروي.

نوي رسمي شمېرې له بنځو سره د تاوتريخوالي ډېرېدو ښکارندوي دي.

د افغانستان د بنځو چارو وزارت ویلي؛ د روان کال په اتو لومړیو میاشتو کې په ټول هېواد کې د بنځو پرواندي د تاوتريخوالي ۴۰۰۰ پېښې ثبتې شوې دي. وهل ډبول، اجباري ودونه، وژنې، په بدو کې د نجونو ودول، او د زورزياتي له امله له کوره تېښته افغانستان کې د بنځو پرواندي تاوتريخوالو له ډلې دي.

تېره ورځ د افغانستان په ولسمشرۍ ماڼۍ کې د بنځو پرواندي د تاوتريخوالي لمنځه وړلو ورځ ولمانځل شوه.

د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني د تېرې ورځې په مراسمو کې وویل؛ د امن خونې به تردې وروسته د دولت له مالي ملاتړ څخه برخمنې شي او په مجازاتي نظام کې به هم بنځو ته تخفیف په پام کې ونیول شي.

سازد. هم‌چنان این وزارت اظهار داشته است: "افغانستان مخالفت خویش را با تصمیم اخیر مقامات پاکستانی مبنی بر اعمال فشار بالای ساکنان مناطق قبایلی در آنسوی خط فرضی دیورند جهت اخذ ویزه برای سفر به افغانستان، ابراز داشته و باور دارد که تصمیم یاد شده، تصمیم یک‌جانبه و برخلاف عرف موجود برای ساکنان دو طرف خط فرضی دیورند بوده و ممکن نیست که مردم را با جبر و اکراه از همدیگر جدا سازند." گزارش‌های نشر شده است که حکومت پاکستان از ساکنان قبایلی در آنسوی خط فرضی دیورند خواستار گرفتن ویزه برای سفر به افغانستان شده است.

در همین حال، روز چهارشنبه ۳ قوس، حکومت افغانستان، تخطی‌های نظامیان پاکستان در امتداد خط فرضی دیورند را خلاف حقوق و موازین بین‌المللی خوانده بود.

ارگ ریاست جمهوری در اعلامیه‌یی نیز نشر کرده، نگاشته بود: "شورای امنیت ملی با بررسی تخطی‌های نظامیان پاکستان در امتداد خط فرضی دیورند، هر نوع تخطی را در این مناطق بر خلاف حقوق و موازین بین‌المللی خوانده و آن را سبب نگرانی دانسته و هدایت لازم را به ارگان‌های ذی‌ربط صادر نمود."

در این اواخر روابط دیپلماتیک کابل - اسلام‌آباد به سردی گراییده است. روزانه هزاران مهاجر افغان از پاکستان به کشور برمی‌گردند.

امروز موضع دادگاه دربارهٔ وزرای سلب اعتمادشده اعلام می‌شود



که در نتیجهٔ آن ۷ وزیر سلب اعتماد شدند و ۱۰ وزیر دیگر به وظایف‌شان برگشتند. ارگ ریاست جمهوری نیز این تصمیم مجلس

دادگاه عالی به تازه‌گی تصمیم گفته است که هرچه زود تصمیم نهایی‌اش را در مورد سرنوشت وزیران سلب اعتماد شده اعلام کند.

یک منبع از دادگاه عالی که نخواست نام‌اش گرفته شود روز جمعه به سلام‌وطندار گفت، بررسی‌های‌شان در مورد ۷ وزیر سلب اعتماد شده هنوز هم ادامه دارد و به احتمال قوی، دادگاه تصمیم نهایی‌اش را به امروز (شنبه) اعلام می‌کند.

پیش از این اعضای مجلس نماینده‌گان گفته اند که اگر فیصله دادگاه عالی برخلاف تصمیم مجلس باشد، رویارویی این دو قوه بیشتر خواهد شد.

حدود یک ماه پیش مجلس نماینده‌گان ۱۷ وزیر کابینهٔ حکومت وحدت ملی را به علت مصرف نکردن ۷۰ درصدی بودجه‌شان، استیضاح کرد

نگرانی‌ها از بدتر شدن وضعیت امنیتی در بغلان



می‌گیرد. نیروهای خیزش مردمی در جریان یک ماه گذشته در شهر پلخمری و شماری از ولسوالی‌های این ولایت با هم درگیر شدند که بیشتر غیرنظامیان

غیرمسئول را متوقف نکرد، پیامدهای بدی را برای حکومت و مردم این ولایت خواهد داشت. اما محمودحقل، سخنگوی والی بغلان فعالیت نیروهای خیزش مردمی را نیاز جلدی می‌داند و می‌گوید، با افزایش ناامنی‌ها در جریان یک‌سال گذشته، مسؤولان امنیتی تصمیم گرفتند تا شماری از باشندگان بغلان را به حمایت از نیروهای امنیتی در برابر مخالفان حکومت مسلح کند.

به گزارش سلام وطن دار، صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت امور داخله با این که از ایجاد نیروهای خیزش مردمی حمایت می‌کند، اما توزیع سلاح به افراد غیرمسئول را رد می‌کند. به گفتهٔ او، مسؤولان امنیتی در هیچ ولایتی برای افراد غیرمسئول سلاح توزیع نمی‌کنند و با افراد مسلح غیرمسئول برخورد قانونی صورت

شماری از باشندگان بغلان از شکل‌گیری نیروهای مسلح غیرمسئول زیر نام خیزش‌های مردمی نگران اند. به گفتهٔ آنان، ایجاد این نیروها نه تنها که در تأمین امنیت این ولایت موثر نبوده، بلکه سبب افزایش ناامنی‌ها نیز شده است.

شماری از باشندگان بغلان می‌گویند، افرادی که زیر نام خیزش‌های مردمی از حکومت اسلحه گرفتند، از مردم باج‌گیری می‌کنند و در برخی موارد با هم درگیر می‌شوند.

سیدعارف عابد، مسؤول شبکهٔ نهادهای جامعهٔ مدنی بغلان می‌گوید، افراد مسلح غیرمسئول زیر نام خیزش‌های مردمی در این ولایت از حکومت اسلحه گرفتند و به جای کمک به تأمین امنیت به آزاروآذیت باشندگان بغلان می‌پردازند. فعالان مدنی و باشندگان بغلان هشدار می‌دهند که اگر حکومت روند توزیع سلاح به افراد

فیسبوک نامه

منوچهر فرادیس



آقای غنی!

اخلاق و کنش طارق و مریم در برابر مادرشان نشأت گرفته از «کلتور اصیل افغانی/ غیرت افغانی» نیست، اخلاق و تربیه آنان متأثر از فرهنگ غربی است که چند مرحله اساسی را در قرون گذشته، مانند عصر روشن گری، انقلاب صنعتی، مدرنیته و... را گذرانده‌اند و مسایلی مانند قانون‌گرایی و فردگرایی... در کشورشان نهادینه شده است.

با لنگی ۵۰ متره که به سر می‌کنی و دنبال کلتور افغانی هستی و حشر و نشری که با ملا تره خیل داری و مشاورینی چون ملا فلانی و خان گژدم و... داری، وضعیت زنان این کشور بهتر نمی‌شود. وقتی جنرالی با میل تفنگش سربازی را خونین می‌کند و زیر پاهایش له می‌کند و تو صدا نمی‌کنی و سکوت می‌کنی، وقتی فرمانده پولیسی را مقرر می‌کنی که عملاً چهارده برده جنسی را به نام زن در کنار دارد، وقتی مشاورانی داری که دستان‌شان تا آخر در خون مردم و اختطاف و دزدی و غارت، در همین پانزده سال پسین آلوده است، وقتی قانون را زیر پا می‌کنی؛ وقتی راه همان زنی را که از جنس مادر طارق و مریم است و حمل دارد، در راه ننگه می‌داری تا خودت بگذری و کودکش نارسیده به شفاخانه تلف می‌شود؛ وقتی فاسدترین افراد را که میلیون‌ها دالر غارت کرده‌اند سفیر و مشاور مقرر می‌کنی، از طارق و مریم نگو.

طارق و مریم در سرزمینی زنده‌گی کرده‌اند و پرورش یافته‌اند که هیچ‌گامی تا این حد قانون اساسی و انتخاباتش آلوده به تقلب و دست‌برد نبوده است. آنان در سرزمینی زنده‌گی کرده‌اند که چیزی به‌نام کوچی از ملتشان باج نمی‌گیرد، آنان در سرزمینی زنده‌گی کرده‌اند که سیاه و سفید یکی پنداشته می‌شود، اما در ارگ زیر فرمان خودت هنوز از دایره احمدزی و بعد تبارت بیرون نشده‌یی و حضور هزاره و اوزبیک را تحمل نداری و ده‌ها مورد این چنینی دیگر. پس طارق و مریم برآیند کلتور افغانی نیست، طارق و مریم برآیند لبرالسمی است که مدعی اداره جهان شده است؛ اگر طارق و مریم هم در زیر خیمه‌ها در دشت‌ها زنده‌گی می‌کردند و با آن‌هم احترام شدید مادر و خواهرش را می‌داشتند، حرفت را قبول داشتیم.

صبور رحیل



قول امام اعظم (رح) در مورد آن‌هایی که به مناقشات اعتقادی و مذهبی می‌پردازند و تلاش می‌کنند طرف مقابل خود را به کفر بگیرند (تکفیری‌ها) چیست؟

از حماد، پسر امام (رح) روایت است که: "یروی انه رأی ابنه حمادا یناظر فی الکلام فنهأه، فقالوا رأیناک تناظر فیہ، وتنهأنا عنه، فقال: کنا ناظر، وکان علی رؤوسنا الطیر مخافة أن یزل صاحبنا، وانتم تناظرون، وتریدون زلة صاحبکم، ومن أراد أن یزل صاحبه، فقد أراد أن یکفر صاحبه، ومن أراد أن یکفر صاحبه، فقد کفر قبل ان یکفر صاحبه."

بنا به این روایت، امام اعظم (رح) مناظره در مسایل اعتقادی را منع کرده است. زیرا کسانی که به مناظره در کلام و عقیده می‌پردازند، نفس‌شان دخیل می‌شود و تلاش می‌ورزند که طرف مقابل در بحث اشتباه کند. یعنی تلاش می‌کنند که او را کافر بسازند، اما پیش از آن‌که طرف مقابل کافر شود، خودشان کافر می‌شوند.

تکفیری‌ها کسانی‌اند که تلاش می‌ورزند شما را با اندک‌ترین اشتباه، کافر بخوانند. درحالی که ایمان در دل است. ایمان در زبان نیست. در مذهب امام اعظم (رح) و امام ماتریدی، تصدیق بالقلب کافی است تا کسی مسلمان باشد، حتی اقرار باللسان ضرور نیست. اما تکفیری‌ها منتظر اند که شما اندک‌ترین اشتباه کنید تا شما به کفر بگیرند و خود را در جایگاه مدافع اسلام و ایمان بخوانند و از این طریق، باج‌گیری کنند. شیوه تکفیری‌ها همین است و این شیوه یک شیوه کافرانه است؛ نه اسلامی!

عبدالاحد هادف



یکی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی حاد ما چیزی به‌نام "خلط مفاهیم" و یا مغالطه در گفته‌ها و مقوله‌ها است که واقعا از مرحله مشکل گذشته و به مرتبه فاجعه صعود کرده است.

از نمونه‌های تازه و کاغذپیچ این فاجعه، تعبیر غلط و نادرست از صحبت‌های آقای حفیظ منصور در نقد مضمون ثقافت اسلامی است. او می‌خواهد محتوای این مضمون رایج در نصاب تعلیمی و تحصیلی کشور را نقد کند که به زبان اسلام تمام شده و تحت همین عنوان براق، به نشر افکار خطرناک و نابکار و ضداسلامی و یا واضح‌تر گفت "تروریستی" پرداخته می‌شود.

حالا وقتی در کوتاه‌مدت امیدی برای اصلاح این نقیصه نیست، بهتر است در ادامه مضامین رایج تجدید نظر کرد تا باشد که زبان‌هایی که از این بابت متوجه اسلام و جامعه است، اندکی متوقف گردد و اسلام به صورت نادرست و خطرناک به مردم معرفی نگردد.

این جوهر و محتوای حرف و موقف حفیظ منصور است که متأسفانه زبان‌ها و ذهن‌های فرصت‌طلب و منفی‌گرا باهم خلط مفاهیم کرده و در صدد تهیه سند برای "کفرگویی" آقای منصور اند تا او را هم در لیست سیاه مباح‌الدم‌های خود علاوه کنند.

آغاز کارزار رهبر حزب سبز امریکا برای بازشماری آرا

حزب سبز ایالات متحده امریکا کمپینی را برای بازشماری آرای انتخابات ریاست جمهوری امریکا آغاز کرد و تنها ظرف چند ساعت توانست بودجه مورد نیاز این اقدام را جمع‌آوری کند.

جیل استاین، نامزد حزب سبز امریکا در انتخابات ریاست جمهوری این کشور معتقد است که در سه ایالت میشیگان، ویسکانسین و پنسیلوانیا مواردی از تخلف و یا نقص فنی در ارایه نتایج آرای برقی وجود دارد.

این درحالی است که تمامی این سه ایالت با اختلاف بسیار اندکی به نفع دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواهان رأی داده‌اند و آرای الکترال لازم را برای تغییر نتیجه انتخابات دارند. این به این معنی است، درحالی که شمارش آرا در ایالت میشیگان هنوز به صورت نهایی تایید نشده است، اثبات تخلفات یا نقص فنی در شمارش آرا می‌تواند هیلاری کلینتون دموکرات را به پیروزی برساند.

گروهی از دانشمندان کامپیوتر می‌گویند، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، آرای کلینتون در ایالت ویسکانسین ۷ درصد از میانگین پایین‌تر است. آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که اصلاح خطاها در سیستم رأی‌دهی به این نامزد دموکرات ۳۰ هزار رأی دیگر اضافه خواهد کرد. درحالی که کلینتون با اختلاف ۲۷ هزار رأی این ایالت را به ترامپ واگذار کرد. اما در این میان، فشار بسیاری بر کلینتون برای پذیرش رسمی نتیجه انتخابات وجود دارد.

اما استاین می‌گوید: او در حمایت از هیچ‌یک از کاندیداها دست به این اقدام نزده است و تنها هدفش نشان دادن غیر قابل اعتماد بودن سیستم انتخاباتی امریکا است.

سازمان ملل:

میانمار در صدد پاکسازی

نژادی مسلمانان روهینگا است

جان ماکسیک، عضو کمیساری عالی امور پناهنده‌گان سازمان ملل گفت: میانمار در صدد پاکسازی نژادی اقلیت مسلمان روهینگا در خاک این کشور است.

ماکسیک به تلویزیون بی بی سی افزود: نیروهای مسلح با کشتن مسلمانان روهینگا در ایالت راخین، بیشتر آن‌ها را مجبور به فرار به بنگلادش در مجاورت این کشور کرده است.

مسلمانان میانمار اسکان یافته در بنگله‌دیش از وضعیت وخیم خود و اقدام‌های "وحشیانه" نیروهای امنیتی میانمار خیر دادند.

برخی از مسلمانان شهر روهینگا در میانمار واقع در جنوب شرقی آسیا که اخیراً موفق به فرار از این کشور و رفتن به بنگله‌دیش شدند، از وضعیت اسفبار زنده‌گی و حمله نیروهای امنیتی این کشور به اقلیت مسلمان منطقه خبر دادند.

براساس این گزارش، عملیات نظامی در شهر راخین موجب کشته شدن ده‌ها نفر شده است.

آواره‌گان میانمار در گفت‌وگو با شبکه خبری بی بی سی، دولت را متهم به اعمال وحشیانه کردند، اما دولت میانمار این ادعاها را رد می‌کند.

فرهنگ خاتون، بانوی مسلمان میانمار در این زمینه گفت: نیروهای امنیتی مساجد و منازل ما را آتش زدند. دو پسر من ناپدید شده‌اند. آن‌ها در حال کشتن مردم هستند.

او در ادامه گفت: ما باید کجا زنده‌گی کنیم؟ من بعد از ۱۰ روز سختی و مصیبت به این‌جا رسیدم.

مجانما خاتون، دیگر زن مسلمان آواره میانمار گفت که نیروهای نظامی همسرش را با شلیک گلوله به قتل رساندند. او افزود: نیروهای ارتش منازل بسیاری را آتش زدند. برخی مردان نیز با شلیک گلوله کشته شدند و برخی دیگر نیز قتل عام شدند. من فقط توانستم برخی از اموالم را با خود به این‌جا بیاورم.

دولت میانمار مدعی شده بود که مهاجمان صدها منزل مسکونی را سوزانده‌اند، اما گروه‌های حقوق بشری، ارتش را مسوول این حادثه قلمداد کردند.

۸۹ درصد مردم میانمار بودایی، ۴ درصد مسیحی، ۴ در د مسلمان و ۱ درصد نیز پیرو آیین هندو هستند.

دولت میانمار برای رفع اختلافات و مشکلات میان مسلمانان و بوداییان، سیاست کوچ اجباری ۶ میلیون مسلمان روهینگایی را از منطقه آرکان اتخاذ کرده است. به واسطه این سیاست اتخاذ شده از جانب دولت، نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر از مسلمانان آرکان به بنگله‌دیش، ۵۰ هزار نفر به تایلند و ۴۰ هزار نفر به مالزی و تعداد قابل توجهی به دیگر کشورهای آسیایی مهاجرت کردند.



در رده‌بندی جهانی؛ تیم فوتبال کشور دو پله سقوط کرد!



در تازه‌ترین رده‌بندی تیم‌های ملی فوتبال جهان در ماه نوامبر، تیم ملی فوتبال افغانستان با دو پله سقوط در جایگاه ۱۴۷ و ۲۵ آسیا قرار گرفت.

این درحالی است که تیم ملی فوتبال افغانستان در ماه نوامبر با قبولی شکست در برابر تاجیکستان، از رسیدن به سید دوم مقدماتی جام ملت‌های آسیا نیز بازماند و هم‌چنین فرصت صعود در جدول فیفا را نیز از دست داد. فوتبال افغانستان که حالا سرمربی کرواتش را نیز از دست داده است، در شرایط بسیار حساس و سختی قرار دارد.

اتهامات اخیر جلال‌الدین شریعت‌یار به یوسف کارگر و اسلام امیری در خصوص واگذاری نتایج بازی‌های تیم ملی فوتبال افغانستان در سال ۲۰۰۸ در بدول پول، برکناری پیتر شگرگ و اعتراض دسته‌جمعی گروهی از بازیکنان اصلی و خارجی تیم ملی در واکنش به این قضایا، آن‌هم در آستانه برگزاری انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال، اهالی متسپیل سبز افغانستان را اسیر و نگران کرده است.

با وجودی که در ماه دسامبر نیز افغانستان می‌تواند از روزهای فیفا برای برگزاری دیدار دوستانه استفاده کند، اما هیچ دیدار تدارکاتی برای تیم بدون سرمربی افغانستان توسط فدراسیون تنظیم نشده است. تا کنون مشخص نیست که فدراسیون فوتبال چه برنامه‌یی برای تیم ملی در آستانه قرعه‌کشی رقابت‌های مرحله نهایی صعود به جام ملت‌های آسیا دارد.

تیم ملی فوتبال افغانستان در تاریخ ۳۰ جدی/دی پس از قرعه‌کشی حرفیانش را خواهد شناخت و از ماه حمل/فروردین ۹۶ مسابقات رسمی‌اش را آغاز خواهد کرد.

ادعای کادناسر:

تماس بارسلونا با برانيسلاو ایوانوویچ



برانيسلاو ایوانوویچ، مدافع صربستانی چلسی که قراردادش با این باشگاه را به اتمام است، جزو گزینه‌های بارسلونا برای تقویت سمت راست خط دفاعی قرار دارد و بر بنیاد گزارش‌ها، حتما تماس‌هایی نیز از سوی کاتالان‌ها با این بازیکن برقرار شده است.

مسوولان بارسلونا به وضوح به دنبال یک دفاع راست تخصصی برای جایگزینی الیکس ویدالی هستند که جدایی‌اش از این تیم در زمستان کاملاً محتمل به نظر می‌رسد. خرید دو فصل پیش کاتالان‌ها که حالا بدون شرکت در بازی‌های این تیم و تأثیرگذاری بسیار اندک، به درب‌های خروج باشگاه هدایت شده است.

به همین دلیل، رابرت فرناندز و دستیارانش از چند ماه پیش کار خود را بر یافتن یک گزینه مناسب برای جایگزینی ویدال و رقابت با سرجی روبرتو، آغاز کرده‌اند و تاکنون نام بازیکنانی چون داریو سرنای، سرژ اوریو، ژوانو کانسولو، گلن جانسون، روسالس و استفان لیخشتاینر پیرامون این باشگاه شنیده شده است. امروز، اما رسانه‌ها از یک گزینه دیگر رونمایی کردند.

مطابق ادعای کادناسر، برانيسلاو ایوانوویچ، مدافع راست با تجربه و ۳۲ ساله چلسی که دو فصلی می‌شود از ترکیب اصلی این تیم خارج شده و قراردادش با پایان همین فصل به اتمام می‌رسد، از گزینه‌های جدی بارسلونا است و حتما تماس‌هایی نیز با این بازیکن از سوی کاتالان‌ها برقرار شده است. این منبع ادعای می‌کند که سران بارسلونا این مطلب را تایید کرده‌اند و خرید کاپیتان صربستان که قابلیت بازی در نقش مدافع میانی را نیز دارد، کاملاً جدی به نظر می‌رسد.

بارسا از سوی دیگر قصد دارد ویدال را با قیمتی حدود ۱۲ میلیون یورو بفروشد که البته کار سختی است؛ چون تا بدین لحظه این بازیکن پیشنهاد خاص و جذابی نداشته و این احتمال وجود دارد که بارسا با انتقال قرضی ویدال به تیم دیگری تا پایان فصل موافقت کند. این نکته را نیز باید گفت که یکی از موانع اصلی در راه جذب ایوانوویچ، حقوق بالای اوست که بارسا قصد دارد با پول فروش ویدال آن را تامین کند.

نویسنده: راجر بیکر

من در روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی امریکا در کره جنوبی و چین حضور داشتم و رویدادهای انتخابات امریکا را از این دو کشور دموکراتیک که در حال حاضر دستخوش تحولات و دگرگونی های عظیمی شده اند، پیگیری و دنبال می کردم. در طول مدتی که در کره جنوبی حضور داشتم، ده ها هزار شهروند کره ای در اعتراض به رسوایی های اخیر رئیس جمهوری این کشور در خیابان ها دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند و خواستار استعفای وی شدند. در هنگ کنگ نیز، صدها هزار نفر از شهروندان این شهر نسبت به مداخله چین در امور داخلی و قوانین هنگ کنگ و همچنین تلاش پکن برای جلوگیری از ورود دو نماینده جدایی طلب به پارلمان، اعتراضاتی را صورت دادند و حتی با پلیس این شهر درگیر شدند.

اما با وجود هرج و مرج و بحران های سیاسی پیش آمده، هنگامی که در این دو شهر حضور داشتم مردم سوالاتی را در مورد انتخابات امریکا از من می پرسیدند؛ سوالاتی نظیر این که چه اتفاقاتی در آینده رخ خواهد داد، یا این که پیروزی ترامپ در این انتخابات به چه معنا خواهد بود. یکی از بزرگترین نگرانی های آنها نیز این بود که حصول چنین نتیجه ای در انتخابات امریکا می تواند منجر به بروز بی ثباتی های گسترده در سراسر جهان شود. در کره شمالی؛ کشوری که مشروعیت رئیس جمهوری آن رو به افول است و شرایط اقتصادی و امنیتی نیز در حالت ناپایداری قرار دارد، مردم و شهروندان نگران آن بودند که پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا تنها به بحران و تنش های موجود دامن بزند. در هنگ کنگ، شهری که در آن الگوی "یک کشور، دو نظام" در حال تبدیل شدن به الگوی "یک کشور، یک نظام" است نیز تنها سؤالی که ذهن مردم را سخت به خود مشغول کرده بود این بود که آیا ساختار و شالوده اصلی سیاست خارجی امریکا پس از انتخابات ریاست جمهوری این کشور به شکل سابق باقی خواهد ماند و این که آیا امریکا همچنان به حمایت و پشتیبانی های خود از نظام دموکراسی در هنگ کنگ ادامه خواهد داد.

رویدادی عظیم و غیرقابل پیش بینی

ایالات متحده امریکا چه از منظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و چه از نظر امنیت ملی یا منطقه ای تأثیر فوق العاده زیادی بر سراسر جهان دارد. شاید بتوان گفت وجود یک امریکای غیرقابل پیش بینی به مراتب بسیار ترسناک تر و نگران کننده تر از وجود یک امریکای متخاصم باشد. در حالت دوم تکلیف تا حدی مشخص است، می توان با امریکای متخاصم مقابله کرد، به نوعی سازش دست یافت یا به درک متقابل رسید اما شرایط در حالت اول بسیار پیچیده تر خواهد بود. قرار گرفتن در چنین شرایطی درست همانند آن است که با یک حیوان وحشی و درنده در اتاقی محبوس شویم، در این شرایط نمی توان حدس زد که این حیوان چه واکنشی از خود نشان خواهد داد، اما واکنش او هر چه باشد قطعاً دارای اثرات و پیامدهایی خواهد بود. شاید این قیاس چندان درست نباشد اما نکته ای بسیار مهمی که در آن دیده می شود این است که امریکا در حال ورود به مرحله ای جدید و تبدیل شدن به یک کشور غیرقابل پیش بینی است و هر چقدر که از اهمیت این عدم قطعیت سخن بگویم، باز هم غلو نکرده ایم.

من آخرین روز اقامتم در کره جنوبی را در شهر اینچون گذراندم. در اواسط صبح که هتل را ترک کردم، گویندگان بی رمق و خسته شبکه های تلویزیونی امریکا همگی خود را برای اعلام خبر پیروزی هیلاری کلینتون در انتخابات آماده کرده بودند اما پس از گذشت ساعاتی ناگهان ورق برگشت و آراء ترامپ از کلینتون پیشی گرفت. رسانه های کره جنوبی نیز در همین حین اعلام کردند که دولت کره جنوبی در نشست اضطراری شورای امنیت ملی این کشور پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا و

کره جنوبی این اطمینان خاطر را داد که تغییرات سریع و یکباره ای در روابط میان امریکا با این کشور بوجود نخواهد اما با این حال واضح و مبرهن است که دولت جدید امریکا قصد دارد تا تغییراتی را در نحوه برخورد و چگونگی روابط خود با متحدان و همچنین رقبایش ایجاد کند. تمامی رؤسای جمهور امریکا همواره تحت محدودیت های شدیدی عمل کرده اند، این امر نه به علت محدودیت های کوتاه مدت نسبی و توازن قدرت در نظام حکومتی امریکا بلکه به دلیل ماهیت نظام بین المللی است. رئیس



تأثیرات و پیامدهای های آن بر اتحاد میان امریکا و کره جنوبی را بررسی خواهد کرد.

احتمالات

ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود به متحدان امریکا اعلام کرد که اگر می خواهند همچنان از حمایت و پشتیبانی امریکا برخوردار باشند باید از این پس سهم بیشتری از هزینه های امنیتی خود را پرداخت کنند. همچنین ترامپ به کره جنوبی و ژاپن پیشنهاد کرد که به منظور دفاع و حفاظت از خود و نیز به عنوان بخشی از استراتژی بازدارندگی منطقه ای، به سمت توسعه تسلیحات هسته ای بروند. این اظهارات می تواند نشان از بروز تغییرات عمده ای در دیدگاه های کنونی ایالات متحده امریکا نسبت به مسئله امنیت در منطقه آسیای شرقی باشد. برای کشور کوچکی همچون کره جنوبی که توسط قدرت های بزرگی احاطه شده و در همسایگی کشوری متخاصم نیز قرار دارد، این امر می تواند موجب بروز تغییرات قابل توجهی در نگرش این کشور نسبت به موضوع امنیت ملی شود. اگرچه از آن زمان به بعد ترامپ همواره در اظهارات خود به

جمهوری امریکا همچنان که اغلب به اتفاقات جهانی واکنش نشان می دهد تلاش می کند تا به طور فعالانه ای به این رویدادها شکل و فرم دهد، اما این بدان معنی نیست که دولت های مختلف دارای اولویت های مشابه و یکسان هستند. کشورهای آسیایی انتظار داشتند تا دولت هیلاری کلینتون سیاست های فعلی ضعیف امریکا در خصوص منطقه شرق آسیا را تقویت ساخته و بهبود بخشد. اما به نظر می رسد که دولت ترامپ با اتخاذ مدل اقتصادی مبتنی بر حمایت از صنایع و تولیدات داخلی و همچنین تغییر رویکرد در زمینه تجارت با دیگر کشورها، مسیر کاملاً متفاوتی را در پیش خواهد گرفت. این

امر می تواند منجر به از بین رفتن امیدها درباره پیمان همکاری های فرا-اقیانوسیه ای موسوم به "ترانس پاسیفیک" (TPP) شده و از سوی دیگر امکان مذاکرات مجدد در زمینه توافقنامه تجارت آزاد میان امریکا و کره جنوبی را فراهم آورد. علاوه بر این، هر گونه اختلال در فعالیت های اقتصادی میان چین و امریکا بر اقتصاد دیگر کشورهای آسیایی نیز تأثیرگذار خواهد بود چرا که اقتصاد کشورهای این منطقه با اقتصاد چین گره خورده و در هم تنیده است. هنگ کنگ نیز از تغییر در روابط میان امریکا و چین متأثر خواهد بود. اگر ترویج دموکراسی از سیاست خارجی امریکا حذف شود و دولت جدید این کشور رویکردی انزواطلبانه را در پیش بگیرد، بدون شک امریکا دیگر تمایل چندانی برای مداخله در امور مربوط به دموکراسی های نوظهور از جمله هنگ کنگ نخواهد داشت. اگرچه جمهوری خلق چین ممکن است از چنین تغییری به شدت استقبال کند، اما این اقدام نشان دهنده آن است که امریکا تمایل خواهد داشت تا ارزش رسمی چین را هدف قرار داده و با تلاش های این کشور به منظور ایجاد یک سیستم مالی و بانکداری جایگزین مقابله کند. یکی از اصلی ترین نگرانی های مقامات هنگ کنگ این است که در صورت نبود فشار از سوی امریکا، چین کنترل بیشتری بر نظام سیاسی هنگ کنگ پیدا خواهد کرد، به خصوص که در طی سال های اخیر میزان اتکای اقتصادی چین بر اقتصاد هنگ کنگ نیز رفته رفته کمتر شده است.

در نهایت این که پیروزی ترامپ موجب کاهش اعتماد به نفس و شهادت کره جنوبی، هنگ کنگ و چین خواهد شد، دلیل این امر نیز نه بخاطر تغییرات احتمالی در سیاست امریکا بلکه به دلیل بی ثباتی و عدم قطعیتی است که پس از روی کار آمدن دولت ترامپ با آن مواجه خواهیم بود. در شرایطی که مردم کره جنوبی هنوز به درستی نمی دانند که آیا رئیس جمهور این کشور تا پایان دوره ریاست جمهوری خود در این سمت ایفای نقش خواهد کرد یا شهروندان هنگ کنگی مطمئن نیستند که آیا چین به نمایندگان منتخب این شهر اجازه حضور در پارلمان را خواهد داد، به نظر می رسد که پیروزی ترامپ تنها موجب تشدید بحران های کنونی شده است. بنابراین این دولت ها در چند ماه آینده به شدت تلاش خواهند کرد تا آینده روشن و مشخصی را برای نظم جهانی تعیین کنند اما با توجه به تقسیمات حزبی به وجود آمده در درون نظام امریکا، پیدا کردن هدف و نیز اطلاعات بی طرفانه ای که بتوانند مفروضات خود را بر آن استوار سازند کار چندان آسانی نخواهد بود.

منبع: اندیشکده استراتفور / مترجم: زهره شهریاری

انستیتوت زبان های خارجی افغان

برنامه ویژه جرمنی
محاوره زبان چینی

برنامه ویژه هالندی
محاوره زبان ترکی



Afghan Foreign Language Institute

انگلیسی، هالندی، سوئدی، ناروژی، بلجیمی، جرمنی، ترکی، عربی، چینی، روسی، فرانسوی، دری، پشتو
آدرس: گولابی سینما، خیر خانه، کابل افغانستان
تلفون: 0773133327/0787030142/0799895665
Afghan Foreign Language Institute